

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي
خَلَقَ الْمَوَدَّعَةَ
وَالْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي
خَلَقَ الْمَوَدَّعَةَ
وَالْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي
خَلَقَ الْمَوَدَّعَةَ

٢٥-١٥



مرکز تحقیقات فلسفه اسلامی
تهران

دانشگاه قم

دانشکده علوم انسانی

پایان نامه دوره کارشناسی ارشد فلسفه اسلامی

موضوع

اهم اندیشه‌های کلامی ابوالفتوح رازی در تفسیر

روض الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن

نگارنده

عبدالعلی عنایتی

استاد راهنما

حجة الاسلام والمسلمین علی محامد

استاد مشاور

حجة الاسلام والمسلمین محمد جواد حیدری

بهار ۱۳۷۷

۲۵۰۱۵

تقدیم:

به همه کسانی که در راه احیای آثار گذشتگان تلاش

می کنند.

تقدیر و تشکر:

در ابتدا لازم می‌دانم از همه اساتیدی که در مدت سالهای تحصیلم زحمت کشیده‌اند تشکر کنم خصوصاً از حجة الاسلام و المسلمین علی محمد به عنوان استاد راهنما و حجة الاسلام و المسلمین محمد جواد حیدری به عنوان استاد مشاور که زحمت قرائت این اثر را تحمل نموده‌اند و با تذکر بعضی از نکات مرا در نوشتن این رساله یاری نموده‌اند کمال تشکر و امتنان را دارم. همچنین سپاسگزار کارکنان کتابخانه و اداره تحصیلات تکمیلی دانشگاه قم می‌باشم.

عناوین

صفحات

.....	مقدمه
ح - الف	(۱) تعریف علم کلام و فرق کلام با فلسفه
ج - ب	(۲) زندگی نامه ابوالفتوح رازی
.....	فصل اول: خداوند و صفات او
.....	بخش اول:
.....	۱-۱- مقدمه
.....	۱-۲- برهانهای اثبات وجود باری
.....	۱-۲-۱- برهان نظم
.....	۱-۳- توحید
.....	۱-۳-۱- برهان تمنع
.....	۱-۴- الله
.....	بخش دوم:
.....	۱-۲- صفات ثبوتی و سلبی
.....	۲-۲- صفات ثبوتی
.....	۱-۲-۲- قدرت
.....	۲-۲-۲- علم
.....	۳-۲-۲- حی
.....	۴-۲-۲- سمیع و بصیر
.....	۵-۲-۲- کلام
.....	۶-۲-۲- سرمدیت
.....	۷-۲-۲- دیگر صفات ثبوتی خداوند
.....	۳-۲- صفات سلبی
.....	۱-۳-۲- فرامکان بودن
.....	۲-۳-۲- غیر جسمانی بودن
.....	۳-۳-۲- غیر قابل رؤیت بودن
.....	۱-۳-۳-۲- دلایل اشاعره در اثبات رؤیت الهی
.....	بخش سوم:
.....	۱-۳- عبادت
.....	چکیده فصل اول
.....	فصل دوم: در افعال خداوند
.....	(۱) حسن و قبح
.....	(۲) فعل انسان و اختیار
.....	(۳) دلایل اشاعره و نظریه کسب

- ۴۹ (۴) نفی ظلم
- ۵۲ (۵) قبیح بر خداوند جایز نیست
- ۵۳ (۶) تکلیف مالا یطلاق بر خداوند جایز نیست
- ۵۴ (۷) اسم غیر از مسمی است

فصل سوم: نبوت

بخش اول:

- ۵۹ ۱-۱- نبوت
- ۶۲ ۲-۱- عصمت
- ۶۸ ۳-۱- دوری پیامبران از عیوب خلقیه و خلقیه

بخش دوم:

- ۶۹ ۱-۲- حضرت محمد صلی الله علیه و آله
- ۷۲ ۲-۲- قرآن

فصل چهارم: امامت

- ۷۸ (۱) تعریف و اهمیت امامت
- ۸۶ (۲) امامت و پیامبری از هم جدا هستند
- ۸۸ (۳) مناقب امام علی و حضرت فاطمه علیها السلام
- ۹۱ (۴) عصمت امام
- ۹۴ (۶) امام زمان حضرت مهدی علیه السلام

فصل پنجم: معاد

بخش اول:

- ۹۹ ۱-۱- ایمان
- ۱۰۴ ۲-۱- فرق بین ایمان و اسلام
- ۱۰۵ ۳-۱- فرق بین ایمان و عمل صالح
- ۱۰۶ ۴-۱- آیا ایمان زیادت و نقصان می پذیرد
- ۱۰۸ ۵-۱- ایمان و اختیار

بخش دوم:

- ۱۱۳ ۱-۲- گناهان صغیره و کبیره
- ۱۱۸ ۲-۲- وعد و وعید
- ۱۲۱ ۳-۲- احباط و تکفیر
- ۱۲۵ ۴-۲- توبه
- ۱۲۸ ۵-۲- شفاعت
- ۱۳۲ ۶-۲- امر به معروف و نهی از منکر

چکیده انگلیسی

- ۱۳۶ منابع کتاب
- ۱۳۷

چکیده:

این رساله در پنج فصل تدوین شده است. در فصل اول در باره خداوند و برهانهای اثبات وجود باری و توحید توضیح داده شده است پس صفات ثبوتی خداوند همچون عالم و قادر و حی و صفات سلبی خداوند همچون مکان نداشتن، مرئی نبودن مطرح شده است در فصل دوم حسن و قبح و اینکه انسان فاعل افعال خویش است. خداوند ظالم نیست و کار قبیح انجام نمی دهد و تکلیف مآلایطاق نمی کند، آمده است.

در فصل سوم: در باره نبوت، فرق نبی با رسول، در باره عصمت و دوری پیامبران از عیوب همچنین حضرت محمد صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قرآن و دیگر معجزات پیامبر سخن گفته ام.

در فصل چهارم امامت تعریف شده است و دلایل امامیه از قبیل قاعده لطف، عصمت و دلایل نقلی همچون آیه عشیره، مباحله، ولایت برای نصب امام از جانب خداوند آورده شده است، همچنین مناقب اهل بیت، تعداد ائمه، حضرت مهدی (عج) مطرح شده است.

در فصل پنجم: ایمان، ایمان و اختیار، زیادت و نقصان ایمان، گناهان صغیره و کبیره و عدو و عید، احباط و تکفیر، توبه، شفاعت، امر به معروف و نهی از منکر بحث شده است

کلید واژه‌ها:

خداشناسی	براهین اثبات وجود باری
توحید	صفات ثبوتی
صفات سلبی	عبادت
حسن و قبح	نبوت
عصمت	قرآن
معجزه	امامت
ایمان	ایمان و اختیار
گناهان صغیره و کبیره	وعد و وعید
احباط و تکفیر	توبه
شفاعت	امر به معروف و نهی از منکر

مقدمه

از آنجائی که پیامبران و پدیدآورانندگان ادیان در پی ارائه دستگاہ منسجم فکری کلامی یا فلسفی نبوده‌اند بلکه مبنا را بر شهود فطری و غریزی می‌نهادند و بشر را با دعوت به سیر در آفاق و انفس به توحید و معاد و اخلاقه حسنه و دوری از سیئه فرامی‌خواندند. ولی بعد از آنان در هر زمانی و عصری دانشمندان و فرهیخته‌گانی بوده‌اند که سعی و تلاش می‌نمودند تا دین را با برهانهای عقلی در معرض قضاوت بگذارند. و در پی این بوده‌اند که از دین دفاع عقلانی کنند و به شبهه‌های گذشته و عصر خود پاسخ گویند و پایه‌های ایمانی پیروان دین را استوار گردانند و با صاحبان دیگر به مناظره و مجادله برخیزند. در دین اسلام هم امر بر همین روال بود. بعد از پیامبر کم کم مسائلی مطرح شد که می‌توان آنها را آغاز کلام در جهان اسلام دانست مثل، تخلف از جیش اسامه، امامت، اختلاف صحابه در خصوص جنگ با مانعین زکاة، قتل عثمان و بعدها امر به معروف و نهی از منکر، تکلیف مرتکب گناه کبیره چیست؟ ایمان چیست؟.... مطرح شد و دانشمندانی در باره این مسائل اظهار نظر کردند و بدانها پرداختند که بعدها به نام متکلم معروف و مشهور شدند و کم-کم رشته‌ای در میان علوم اسلامی بنام کلام بوجود آمد در اینکه چرا به این گروه از دانشمندان متکلم می‌گویند و کلام یعنی چه بحث‌های زیادی شده است و لفسن می‌نویسد «اصطلاح کلام، که لفظ به معنی «سخن» یا «واژه» است در ترجمه‌های عربی آثار فلسفی یونانی، به عنوان معادل عربی لفظ لوگوس در معانی مختلف آن «کلمه» و «عقل» و «دلیل» به کار رفته است. این اصطلاح همچنین در آن ترجمه‌های عربی آثار یونانی به معنی شاخه خاصی از علم و لفظ متکلمون (مفرد آن متکلم) برای اشاره کردن به استادان یا نمایندگان هر شعبه خاص از علم آمده است... اصطلاح یونانی برای علماء الاهیات یا تنولوژی آن آثار به زبان عربی اصحاب الکلام یا المتکلمون فی الاهیات ترجمه شده است،

احتمالاً در تحت تأثیر همین ترجمه‌های از یونانی به عربی، لغات کلام و متکلم نیز به توسط نویسندگان و مصنفان قدیم عربی زبان به همین معنی به کار برده شده است»^(۱) به هر حال در باره علل پیدایش، زمان پیدایش، وجه تسمیه، غایت، مرتب موضوع، مبادی، روش، ... سخنان بسیار زیادی گفته شده است که ما در اینجا از طرح آنها خودداری می‌کنیم و فقط به تعریف علم کلام (و از آنجائی که کلام از علوم عقلی است) و فرق آن را با فلسفه می‌آوریم.

تعریف علم کلام

ابن خلدون در تعریف کلام می‌نویسد «علم کلام علمی است که در بر دارد احتجاج بر عقاید دینی را با دلایل عقلی»^(۲) و کلام را از زمره علوم عقلی می‌داند به عبارت دیگر علم کلام ابزاری است در دست دانشمندان تا با آن از عقاید غیردینی اجتناب کند. یعنی برای اینکه در تبیین عقلانی از دین دچار خطا نشوند باید به سلاح کلام مسلح شوند همچنان که فیلسوفان برای اجتناب از خطا و استنتاجات غلط به منطق نیازمند هستند و فقهاء برای پیشگیری از هر گونه فتوای ناصواب به اصول فقه احتیاج دارند. لذا علم کلام هم مانند منطق و اصول فقه از علوم عقل است. در شرح موافق آمده است «علمی که انسان را، بر اثبات عقاید دینی، از راه ایراد حجت‌ها و دفع شبهه‌ها توانا می‌سازد»^(۳) فارابی نیز در احصاء العلوم علم کلام را در ردیف المدنی و علم الفقه آورده و کلام را در طبقه مستقلی قرار نداده است «علم کلام، صنعتی است که انسان به وسیله آن قدرت می‌یابد تا از طریق گفتار آراء و افعال معینی را که واضح شریعت بدانها تصریح کرده یاری کند و خلاف آنها را باطل نماید»^(۴).

۱- فلسفه علم کلام، هری اوسترین ولسن، احمد آرام، الهدی، چاپ اول، ۱۳۶۸، ص ۱.

۲- مقدمه ابن خلدون، عبدالرحمن بن محمد بن خلدون دکتور علی عبدالواحد وافی، دار نهفته مصر، جلد سوم، ص ۱۰۶۹.

۳- شرح موافق جلد ۱، ص ۲۳ به نقل از فلسفه عرفان، یحیی یثیری، دفتر تبلیغات اسلامی، پائیز ۱۳۷۴، سوم، ص ۳۱.

۴- احصاء العلماء، فارابی، تصحیح عثمان محمد امین، ص ۷۷-۶۴، مصر. به نقل از مجلد معارف، دوره پنجم، شماره ۳، آذر - اسفند ۱۳۷۶ مقاله پیدایش علم کلام و منزلت آن در میان علوم نوشته محسن جهانگیری، ص ۸۸

فرق کلام با فلسفه

در فرق کلام با فلسفه نوشته‌اند که فلسفه در پی این نیست که حتماً استدلال او با ظاهر شرع سازگار باشد و یا به تعبیر دیگری فلسفه بالذات در پی دفاع عقلانی از دین نیست فیلسوف دل به عقل و استدلال می‌سپارد. اما کلام می‌خواهد برای دین و نظریه‌های دینی استدلال اقامه کند. عبدالرزاق لاهیجی در مورد فرق کلام و فلسفه می‌نویسد «بهتر آن است که فرق کلام و فلسفه را به موضوع آنها، مربوط ندانیم، بلکه باید «موجود، بماهو موجود» را موضوع هر دو علم دانسته، و فرق آن دو را به قانون بحث و مبادی و قیاسات آنها، ارتباط دهیم، برای اینکه، مبادی دلایل کلامی، لازم است که بر اساس قوانینی استوار گردد که مطابق مسائل اثبات شده، از راه ظواهر شرع باشد بر خلاف مبادی فلسفه، که چنین مطابقتی با ظواهر شرع در آنها معتبر نیست، و تنها مطابقت آنها با قوانین عقلی صرف، مورد نظر است، خواه برابر ظواهر شرع باشد یا نه، اگر نتایج حاصل از مبادی فلسفی با ظواهر شرع مطابقت داشت چه بهتر، وگرنه ظواهر شرع را، با «تأویل» با قوانین عقل تطبیق می‌دهند»^(۱).

اما اندیشه‌های کلامی ابوالفتوح رازی که موضوع پایان‌نامه اینجانب است. ابوالفتوح در وحله اول مفسر قرآن است یعنی در پی تفسیر و فهم قرآن است البته با پیش فرض‌های کلام شیعی، یعنی عینکی که او با آن به تفسیر نگاه می‌کند عقلانیت کلامی شیعی است لذا به مناسبت در ذیل آیه مربوطه مطلبی در باره مسائل کلامی مطرح می‌کند و از اندیشه‌های کلامی شیعی در برابر دیگر مذاهب اسلامی دفاع می‌کند. روش ابوالفتوح در تفسیر روش عقلانی است یعنی در هر جا که بین عقل و نقل تعارض ایجاد شود نخست در پی رفع تعارض بر می‌آید و اگر امکان رفع تعارض نباشد اگر حدیث باشد به اینکه مثلاً آحاد است رد می‌کند و

۱- شوارق الالهام فی شرح تجرید الکلام، مقدمه، چاپ سنگی به نقل از فلسفه عرفان، ص ۳۱.

اگر آیه قرآن باشد تأویل می‌کند^(۱) و همین روش را در تعارض کلام شیعی و سنی نیز دنبال می‌کند یعنی اگر بشود بین نظرات شیعه و سنی جمع کند. و آیه را اعم از این نظرات بگیرد. او جمع را اولی می‌داند و در صورتی که امکان جمع نباشد مذهب حقه را ترجیح می‌دهد. لازم به ذکر است که ابوالفتوح در پی پاسخ‌گویی و تفسیر مسائلی است که در زمان او مطرح بوده است لذا مسائل کلامی جدید همچون جامعه‌شناسی دین، معرفت‌شناسی، انتظار ما از دین، تعارض علم و دین... در تفسیر مطرح نیست. حداکثر می‌توان گفت که همان اختلافی که بین شیخ صدوق و مفید بوده است با توجه با مسائل همان عصر در تفسیر او تبلور یافته است و او از مکتب عقل‌گرانی مفید حمایت می‌کند به عبارت دیگر از مسائل کلام جدید تعارض عقل و دین و بحث ایمان در آن زمان مطرح بوده و می‌توان پاسخ بعضی از مسائل در این دو حوزه را از آن استخراج کرد.

هدفم از انتخاب این موضوع علاوه بر احیاء و استخراج آثار گذشتگان این بوده است که نشان دهم دانشمندان کلامی شیعی چگونه از دین و مذهب خود در مقابل اندیشه‌های مخالف در زمان خود دفاع می‌کرده‌اند. و چگونه پاسخ مسائل عصر را با استدلال بیان نموده‌اند.

در پایان مقدمه لازم می‌دانم قبل از آشنائی با اندیشه کلامی ابوالفتوح نخست به طور مختصر با زندگی او آشنا شویم.

۱- همین رساله بحث غیر جسمانی بودن خداوند، ص.

زندگی نامه ابوالفتوح رازی

در باره زندگی ابوالفتوح رازی اطلاعات چندانی در دسترس نیست، بهترین زندگی نامه‌ای که از او در دست است نوشته علامه قزوینی است. علامه شعرانی عیناً آن را در پایان تفسیر خود آورده است و مصححین تفسیر روض الجنان چاپ آستان قدس نیز با اعتراف به اینکه نتوانسته‌اند اطلاعاتی بیش از آنچه علامه قزوینی آورده است. گردآوری کنند عیناً همان زندگی نامه را در آغاز جلد اول آورده‌اند. لذا این جانب به طور مختصر و با تقدم و تأخر بعضی از مطالب آن را در اینجا نقل می‌کنم.

جمال‌الدین ابوالفتوح الحسین بن علی بن محمد بن احمد بن الحسین احمد الخزاعی الرازی از اولاد نافع بن بدیل بن ورقاء الخزاعی از صحابه معروف حضرت رسول بوده است. نافع بن بدیل جد اعلای ابوالفتوح در واقعه بئر معونه به درجه شهادت رسیده است. و عده کثیری از فرزندان بدیل بن ورقاء در قدیم الایام از جزیره العرب به ایران مهاجرت کرده و در نقاط شمالی ایران در نواحی نیشابور و سبزواروری و غیره سکنی گزیده بوده‌اند. قدیمیترین کسی که از این خاندان نام او در کتب رجال دیده می‌شود جد دوم ابوالفتوح ابوبکر احمد بن الحسین الخزاعی النیشابوری از تلامذه سیدین رضی و مرتضی و شیخ طوسی است. و دیگر برادر ابوبکر احمد مذکور ابوالفتوح محسن بن الحسین بن احمد عم جد ابوالفتوح رازی است و دیگر پسر ابوبکر احمد - مذکور ابو - محمد عبدالرحمن بن احمد بن الحسین معروف به مفید نیشابوری عم پدر ابوالفتوح رازی و دیگر برادر مفید نیشابوری مذکور و جد بلاواسطه ابوالفتوح رازی ابوسعید محمد بن الحسین بن احمد نیشابوری است. و دیگر دو پسر مؤلف یکی صدرالدین علی و دیگر شیخ تاج‌الدین محمد. تاریخ وقایع احوال ابوالفتوح از قبیل ولادت یا تاریخ وفات و غیره مشخص نیست، حدوداً می‌شود گفت که ولادت او مؤخر از حدود ۴۸۰ نبوده است و دیگران که وی در حدود ۵۲۵ قطعاً و محققاً در حیات بوده است و

تاریخ مابقی کیفیات و تفصیل راجع به حیات او مجهول است. قاضی نور الله ششتری متوفی در سنه ۱۰۱۹ در احوال ابوالفتوح می نویسد «قدوة المفسرين الشيخ ابوالفتوح الحسين بن علي بن [محمد بن] احمد الخزاعي الرازي - رحمه الله - از اعلام علمای تفسیر و کلام و عظیمای ادبای انام است از خاندان فضل و بزرگی و اولاد امجاد بدیل بن و رقاء از مشاهیر روزگار است و بالجمله مآثر فضل و مساعی جمیله او در تفسیر کتاب کریم و ابطال تأویلات سقیم مخالفان ائیم و تعسفات نامستقیم مبتدعان رجیم بر همگان مخفی نیست و از تفسیر فارسی او ظاهر می شود که معاصر صاحب کشف بوده و بعضی از اشعار صاحب کشف به او رسیده اما کشف به نظر او نرسیده و این تفسیر فارسی او در رشاقت تحریر و عدوبت تقریر و دقت نظر بی نظیر است، فخر الدین رازی اساس تفسیر کبیر خود را از آنجا اقتباس نموده و جهت دفع توهم انتحال، بعضی از تشکیکات خود را بر آن افزوده، در مطاوی این مجالس پر نور شطری از روایات و لطائف نکات و اشارات او مسطور است و او را تفسیری عربی هست که در خطبه تفسیر فارسی به آن اشاره نموده اما تا غایت به نظر مطالعه فقیر نرسیده» (مجالس المؤمنین اواسط مجلس پنجم، نسخه خطی محمد قزوینی).

ابن بابویه متوفی ۵۸۵ صاحب فهرست که در اول مجلد بیست و پنجم بحار الانوار مرحوم مجلسی بتمامه مندرج است در باره ابوالفتوح می نویسد «شیخ امام جمال الدین ابوالفتوح حسین بن علی بن محمد خزاعی رازی عالم و واعظ و مفسر و متدین او را تصانیفی است از آن جمله تفسیر موسوم به روض الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن در بیست مجلد و روح الاحباب و روح الالباب فی شرح الشهاب هر دو کتاب مزبور را من بر مؤلف آنها قرائت نموده ام». ابن شهر آشوب در معالم العلماء می نویسد «استاد من ابوالفتوح بن علی رازی از تألیفات اوست روح الجنان فی تفسیر القرآن به زبان فارسی ولی عجیب است [یعنی خوش آیند و مطبوع است] و شرح شهاب (معالم العلماء، ابن شهر آشوب طبع جدید آقای اقبال ص ۱۲۸). آقا محمدباقر خوانساری در روض الجنان ص ۱۸۳-۱۸۴ به نقل از ریاض

العلماء، میرزا عبدالله اصفهانی سه کتاب دیگر غیر تفسیر روض الجنان و غیر شرح شهاب الاخبار به ابوالفتوح رازی نسبت داده است یکی رساله یوحنا به فارسی در ابطال مذهب اهل سنت از زبان یکی از نصاری موسوم به یوحنا دیگر رساله حسنیه باز هم در رد مذهب اهل سنت و سوم تبصرة العوام معروف در ملل و نحل. اما تاریخ تفسیر روض الجنان معلوم نیست. تاریخ تألیف تفسیر حاضر از طرفی به ظن غالب مقدم بر حدوده ۵۱۰ نبوده است و از طرف دیگر به نحو قطع و یقین و به دلیل خارجی - مؤخر از سنه ۵۶۶ نیز نمی تواند باشد پس تاریخ تألیف آن محصور خواهد بود مابین حدود ۵۱۰-۵۶۶.

محل دفن

در حدیقه الشبعه مرحوم ملا احمد اردبیلی متوفی ۹۹۳ آمده است «ابن حمزه علیه الرحمه در کتاب ایجاز المطالب فی ابراز المذاهب و در کتاب هادی الی النجاة من جمیع المهلکات هر دو می گوید که در شهر ری حاضر بودم که شیخ ابوالفتوح رازی [صاحب] تفسیر - رحمه الله - به رحمت حق تعالی پیوست و به موجب وصیتش در جوار مرقد امامزاده عبدالعظیم حسنی - رحمه الله علیه مدفون گشت» (حدیقه الشبعه طبع طهران سنه ۱۲۶۰ ص ۳۳۶).

نام تفسیر ابوالفتوح را به دو صورت ثبت کرده اند.

- ۱ - روح الجنان و روح الجنان فی تفسیر قرآن به نقل از این شهر آشوب در معالم العلماء که ظاهراً علامه شعرانی به استناد این شهر آشوب این نام را اختیار کرده است
- ۲ - غیر از این شهر آشوب بقیه دانشمندان روض الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن ثبت کرده اند تاکنون چهار چاپ از تفسیر ابوالفتوح رازی در دست است
- ۱ - چاپ اول: تنی چند از فضلا: من جمله ملک الشعراء صبورى از روی دو نسخه خطی. استان قدس رضوی تضحیح کرده اند که دو جلد از پنج جلد آن به سال ۱۳۲۳ ه.ق. به

فرمان مظفرالدین شاه و سه جلد باقی مانده در سال ۱۳۱۳-۱۵ ه.ش. به دستور علی اصغر حکمت وزیر معارف وقت به زیور طبع آراسته گشت. دوره پنجم جلدی این چاپ بار دیگر در سال ۱۴۰۴ ه.ق. به سرمایه کتابخانه آیه الله العظمی مرعشی نجفی به صورت افست نشر گردیده است.

۲ - چاپ دوم: در ده جلد به سال ۱۳۲۰ با تصحیح و حواشی آیه الله مهدی الهی قمشه ای صورت گرفته است.

۳ - چاپ سوم: در ذی الحجة الحرام ۱۳۸۲ ه.ق. با تصحیح و حواشی مرحوم آیه الله حاج میرزا ابوالحسن شعرانی در ۱۲ مجلد سامان یافته و پس از آن بار ما به طریقه افست نشر و پخش شده است.

۴ - چاپ چهارم: تصحیح آقایان دکتر محمد جعفر یاحقی و دکتر محمد مهدی ناصح در بیست مجلد که در حدود ۱۷ سال تصحیح و چاپ شده است. ناشر آستان قدس رضوی.